خراسان بزرگ: سال هشتم، شماره (۲۷)، تابستان ۱۳۹۶
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.۸, No.۲۷, Summer ۲۰۱۷

مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در دژ "قلعه‌کوه قائن"

عابد تقوی[۱]
سامان فرزین[۲]
حسین کوهستانی[۳]
مهسا عبداللهی[٤]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۱۲/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵
شماره صفحات: ۵۴-۴۱

چکیده

در طول تاریخ معماری و شهرسازی ایران، دفاع غیرعامل به عنوان بخشی جدایی ناپذیر در روند شکل‌گیری و گسترش شهرها محسوب می‌شده است. این نوع دفاع در جهت به حداقل رساندن آسیب به نیروهای خودی درمقابل هجوم دشمن لحاظ می‌شده و معمولاً بدون دخالت نیروی انسانی صورت می پذیرفت. دفاع غیرعامل گونه‌ای از ایمن‌سازی و دفاع از خود است، که محیط خود را بدون استفاده از سلاح و با استفاده از جغرافیا و ژئوفیزیک و ساخت اندام‌های دفاعی ایمن کرده است. در قهستان قدرت اسماعیلیان از طریق استراتژی دفاعی که قلاع به ایشان می‌داد تامین می گشت. قلاع در قهستان با استحکام زیاد و با رعایت تمامی نکات مهم تدافعی ساخته شده است. اسماعیلیان به دلیل کمبود نیروی نظامی در تاریخ حیاتشان سعی فروان در فراهم آوردن مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در حفاظت و تامین امنیت خویش کرده‌اند. بر اساس نتایج بدست آمده از بررسی قلعه کوه قاین که از مهمترین مکان‌های استراتژیک اسماعیلیان در شرق ایران بوده است؛ استحکامات تقریبا با تسلیحات آن زمان قابل دسترس نبوده‌اند، تنها از یک سوی کوه دسترسی به قلعه مهیا بود، نقاط حساس در قلعه به صورت دقیق در نواحی غیرقابل دسترس تعبیه گشته است، ارتفاع کوه و حصار اجازه دسترسی مهاجمان و کمانداران را بسیار دشوار ساخته، برج‌های استراتژیک در نقاط حساس و با دسترسی آسان تعبیه می‌گشت، ارگ حکومتی و محل زندگی حکام در آخرین جبهه دفاعی مستقر گردیده، انبارها به صورت مجزا برای هر یک از حصارها تعریف گشته است. از توپوگرافی کوه در پنهان‌سازی نقاط مهم قلعه استفاده برده‌اند، قلعه در بهترین نقطه از دشت واقع گردیده تا دید کافی به راه‌های اصلی را به ساکنین می‌دهد، حصار و برج‌ها از پایه و ابتدای ساخت با استحکام بالا بنا گردیده است. پژوهش حاضر از نوع روش توصیفی- تحلیل تاریخی است. همچنین در گردآوری اطلاعات، از منابع تاریخی دست اول و تحقیقات اندیشمندان معاصر بهره گرفته شده و داده های پژوهش حاصل بازدید و مستندنگاری میدانی از دژ قلعه کوه قاین می باشد.

واژهای کلیدی : اسماعیلیان، ، قلاع، قلعه کوه قاین، دفاع غیرعامل، قهستان

---

۱. عضو هیات علمی و استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) abed.taghavi@umz.ac.ir
۲. عضو هیات علمی و استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند farzin@birjand.ac.ir
۳. عضو هیات علمی و استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند hkoohestani@birjand.ac.ir
٤. دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه غیردولتی گلستان m.abdollahii@yahoo.com

مقدمه

امنیت و ایمنی از دیرباز از دغدغه‌های انسان بوده است. به همین دلیل آدمی همواره به دنبال تقلیل اثرات عوامل تهدید کننده امنیت خویش بوده است. انسان همیشه برای آمادگی در مقابل عوامل و پدیده‌های بالقوه و بالفعل آسیب‌رسان به خویش در تلاش بوده است (جلالی و هاشمی فشارکی، ۳۴:۱۳۸۲؛ ابهری، ۱۳:۱۳۸۶). قلعه یا دژ به معنی استحکامی است که در اطراف شهرها ساخته می‌شد؛ دژهای اولیه را می‌توان یادگار تمدن کشاورزی دانست؛ زمانی که انسان به یکجانشینی روی آورد و به تبع آن به حفظ امنیت و دفاع از خود افتاد (کیانی، ۷۸:۱۳۸۴؛ رهنمایی و شاه حسینی، ۶۳:۱۳۸۸). در این دوران انسان‌ها چون به طور دائم در معرض حمله حیوانات و دشمنان قرارداشتند، محل تجمع زیست خود را بر بلندی‌ها بنا می‌نمودند و اگر در دشت‌ها و جلگه‌ها ساکن بودند به تدریج به دور خود حصار، برج، دروازه و خندق ایجاد میکردند (موحدی نیا،۱۳۶۳ :۶۱). در رشته‌های مختلف تعاریف گوناگونی از دفاع غیرعامل گردیده است، اما در یک تعریف کلی، دفاع غیرعامل به کلیه اقدامات احتیاطی به منظور به حداقل رساندن اثرات خصمانه دشمن گفته می‌شود که از هیچگونه ابزار تسلیحاتی استفاده نمی‌شود (میراحمدی و یادگارزاده، ۱۳۸۲ :۱۵).

عناصر طبیعی مانند ارتفاعات در کوهها و عناصر ساخته دست بشر مانند دژها، دو وظیفه عمده در دفاع غیرعامل را برعهده دارند (تقوی و رایگانی، ۱۳۹۳ :۷۶). از جمله عناصر طبیعی که انسان را در رسیدن به اهداف دفاعی یاری داده است می‌توان به استقرار در ارتفاعات، موضع‌گیری در پشت رودخانه‌ها و قرارگیری در مکان‌های متراکم اشاره کرد. از عناصر حفاظتی و دفاعیِ ساخت بشر می‌توان به ساخت برج و بارو، دژ، خندق و ... اشاره کرد (اصغریان جدی، ۱۳۷۴ :۳۲۵). هدف از طراحی و استفاده از دفاع غیرعامل کاهش خسارات جانی و مالی بدون عملیات مستقیم نظامی با نیروهای دشمن و همچنین کاهش توانایی دشمن در شناسایی مواضع حساس و تحمیل هزینه بیشتر به حملات آفندی نیروهای مهاجم است (تقوی و رایگانی، ۱۳۹۳ :۷۶). ارکان اساسی در دفاع غیرعامل بیشتر تحت تأثیر شرایط مکانی و زمانی و همواره این ارکان متناسب با شرایط به وجودآمده متغییر هستند. هفت رکن اساسی در پدافند غیرعامل را میتوان اینطور بیان کرد: ۱. استتار ۲. اختفا ۳. پوشش ۴. جدایی و پراکندگی ۵. فریب ۶. مقاوم سازی و استحکامات ۷. اعلام خبر (فرزامشاد، ۱۳۸۶ :۸۷).

در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، توجه به مولفه‌های دفاع غیرعامل یکی از اولویت‌های مهم حاکمان و سیاستمداران به شمار می‌رفته است. نخستین تجربه‌های تاریخی استفاده از این گونه دفاعی، به حفاظت انسان از استقرارگاه های خویش در پیش از تاریخ بر می‌گردد. انسان در گذشته‌های دور، به درستی درکی منطقی از شرایط محیطی اطراف خویش داشت به طوری که با در نظر گرفتن عوامل جغرافیایی و طبیعی اولین سکونت-گاه‌های خویش را درون اشکفت‌ها و غارها با هدف جلوگیری ازحمله حیوانات وحشی قرار داد. پس از اندک زمانی، به ساخت اتاق های کوچک و محصور نمودن آنها پرداخت (موحدی-نیا،۱۳۸۶؛ بلوشر،۱۳۶۳). در دوران تاریخی، بنا به شکل‌گیری و تنوع پیچیدگی‌های اجتماعی، شیوه‌های دفاعی گسترش چشم-گیری یافت و اشکال گوناگونی از تدابیر دفاعی مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌ترین نمونه بارز آن، ساخت دژها و شهرهای نظامی است که در بخش های وسیعی از جغرافیایی سیاسی ایران پراکنده‌اند. شواهد باستان‌شناسانه، روند آغازین رشد این‌گونه معماری را از دوره حکمرانی حکومت ماد نشان می‌دهد که در در ادوار تاریخی بعدی سیر تکاملی خود را طی نموده است (گرنی، ۲۱:۱۳۸۸؛ مشهدی‌زاده دهاقانی،۹:۱۳۷۴). در دوره امپراتوری ساسانی و متعاقب آن در دوران اسلامی، اهداف و مولفه‌های دفاع غیرعامل به شکل جدی‌تری دنبال شد. بازتاب اندیشه فوق، در شواهد مادی نظیر قلاع و استحکامات نظامی در مناطق مختلف ایران قابل مشاهده است که از آن جمله می‌توان به قلعه دختر فیرزآباد فارس، قلعه دختر کرمان، قلعه یزدگرد و ساخت شهرهای با ساختار دفاعی گور(فیروزآباد) و تیسفون اشاره کرد(کریستین-سن، ۱۳۸۲: ۲۷۵-۲۷۷). دردوره اسلامی نیز نشانه‌های تاریخی حضور این نوع دفاع، در ساخت دامنه‌دار و فراگیر قلاع اسماعلیه درنقاط مختلف ایران از مناطق شرقی تا غربی دیده می شود(ویلی، ۱۱۲:۱۳۸۶). بی تردید، ضرورت پرداختن به موضوع راهبردی دفاع غیرعامل در شهرها و قلاع تاریخی ایران، پژوهشی است نوین که در مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی تا

به امروز در مورد آن تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. بنابر آنچه که در بالا به آن اشاره شد، تجربه‌های تاریخی شهرسازی ایرانی در بیشتر موارد منطبق بر اصول دفاعی و ساختار امنیتی است.

قهستان از لحاظ جغرافیایی دارای رشته‌کوه‌های پهناور که در جوار دشت لوت و دشت کویر قرار گرفته‌اند. اسماعیلیان همیشه کوشیده‌اند پایگاه‌های نظامی در مناطق صعب العبور و غیرقابل دسترس داشته باشند؛ که به آسانی قابلیت تدافعی داشته باشد. آنان همیشه در نظر داشتند که قلاع در یک مجتمع منظم قرار گیرند تا توانایی کمک به دیگر قلاع را داشته باشند. مناطق منتخب ایشان برای ساخت و تصرف قلعه‌ها باید از لحاظ منابع طبیعی چه برای ساخت قلاع و چه برای آذوقه روزمره مناسب می‌بود. به نظر می‌رسد علاوه بر ازدیاد پیروان این کیش در قهستان، موقعیت جغرافیایی منطقه تأثیر به‌سزایی بر روی این انتخاب داشته است. بعد از ورود حسین قائنی به قهستان و تصرف و ساخت استحکامات دفاعی در منطقه قدرت اسماعیلیان به حدی رسید که سلطان سنجر پادشاه سلجوقی را بر آشفت و قصد سرکوب شورش‌ها را کرد و یکی از امرای خود به اسم بزغش را به سرکوبی قهستان فرستاد. در این جنگ‌ها گرچه تعداد زیادی از اسماعیلیان جان باختند ولی باز گردهم آمدند و قهستان را به یک پایگاه مستحکم نظامی و یک حکومت مستقل اسماعیلی و تابع الموت مبدل ساختند، به همین دلیل است که تمرکز و ازدیاد قلاع اسماعیلی در قهستان بسیار قابل توجه است. اسماعیلیان در بیشتر مواقع قلاع را خریداری یا تصرف می‌کردند و بعد از آن به مرمت و بازسازی، گسترش و تقویت قلعه‌ها می‌پرداختند. همانطور که گفته شد یکی از استراتژی‌های دفاعی اسماعیلیان ساخته قلاع در یک امتداد بود تا بتوانند در مواقع لزوم به دیگر قلعه‌ها کمک نمایند. در ایران این امتداد از الموت در رشته‌کوه البرز شروع می‌شود و از سمنان و دامغان می‌گذرد و از مشهد در امتداد بیرجند و قاین تا مرز سیستان می‌رسد. بیشترین پایگاه‌های نظامی در قهستان در تون (فردوس)، بیرجند، قاین و طبس ساخته شده‌است. تمام منطقه قهستان به زیر سلطه یک فرماندار یا محتشم که از سوی الموت منصوب می‌گردید، بود. به احتمال زیاد مرکز و محل سکونت محتشم در قلعه‌کوه قاین بوده است. فاصله بین قاین تا بیرجند را قلعه‌های کوچک دشتی یا کوهستانی کوچک پر کرده است، که به احتمال زیاد برای حفاظت نگهبانی و ارتباط قلاع بزرگ تعبیه شده‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع روش توصیفی و تحلیل تاریخی است. همچنین در گردآوری اطلاعات، از منابع تاریخی دست اول و تحقیقات اندیشمندان معاصر استفاده شده است. بخش دیگری از منابع اطلاعاتی در تحلیل بهره‌گیری از عکس‌های هوایی منطقه و نیز پیمایش سطحی(بررسی میدانی) در دژ قلعه کوه قائن است. در تحلیل یافته‌ها ، مقایسه تطبیقی میان بقایای باستان‌شناختی و معماری با عکس‌های هوایی منطقه و منابع تاریخی انجام شده است. این تحقیق تلاش دارد تا عوامل موثر در پدافند غیر عامل دژ قلعه کوه قائن را مورد مطالعه قرار دهد.

قاین در تاریخ مکتوب

قاین از دیرباز جزء بزرگترین و مهمترین شهرهای قهستان بوده و تا عصر صفویه به عنوان مرکزیت سیاسی ایالت قهستان شناخته می‌شده است. ابن حوقل در باره قاین این‌چنین می‌گوید:" دارای قهندژ، خندق و مسجد جامع است و مقر حاکم در قهندژ می‌باشد. آب آن‌جا از قنات‌ها است. باغستان اندک دارد و دهکده‌های آنجا پراکنده است و یکی از نواحی سردسیر به شمار می‌آید" (ابن حوقل، ۱۳۵۴: ۳۲۴). حکیم و شاعر قرن پنجم ناصر خسرو قبادیانی، در بازگشت از سفر مصر در سال ۴۴۴ هجری به قاین رسید و در رابطه با این شهر این چنین می‌نویسد: «گرد شهرستان خندقی دارد و مسجد آدینه به شهرستان اندر است و آنجا که مقصوره است طاقی عظیم بزرگ است چنان که بزرگ‌تر از آن در خراسان ندیدم و آن طاق نه در خور مسجد، و عمارت شهر همه به گنبد است» (ناصر خسرو،۱۳۶۶: ۱۵۰-۱۴۹).

ابوالفداء نیز چنین می گویید: «قوهستان ناحیت وسیعی است بین نیشابور و هرات و اصفهان و یزد و قصبه آن قاین می‌باشد» (ابوالفداء، ۱۳۳۴: ۵۱۲). در دوره قیام اسماعیلیان در ایالت قهستان تعداد قلاع در این منطقه بسیار زیاد می‌شود. آن‌چنان که جوینی این چنین می‌نویسید: «... و تمامت قلاعی که در حدود قهستان مانده بود زیادت از پنجاه قلعه که به افلاک تطاول می‌جستند و با کواکب تصاول می‌کردند خراب کنند...» (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۳۷).

حمدالله مستوفی قاین را اینطور توصیف می‌کند: «در بیشتر خانه‌ها سردابه ساخته باشند و همه مردم شهر سپاهی باشند و همه کس را آلات حرب مهیا باشد و در قاین چون چهل روز از تابستان بگذرد نوعی جو بکارند و در اول قوس درو کنند که چهارپایان را بسیار فربه کند و دلقک مسخره سلطان محمود غزنوی از این شهر است» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۴۶).

مختصری درباره قلعه‌های اسماعیلیان در قهستان

با توجه به قلعه هایی که از دوران اسماعیلیه در بیرجند باقی مانده است،حضور طولانی این فرقه در زمانهایی از تاریخ در بیرجند آشکار می‌شود. پس از دوره‌ی صفویه و رسمی شدن مذهب شیعه، قائنات که پناهگاه شیعیان به شمار می رفت مورد توجه بیشتری قرار گرفت و با توجه به علاقه صفویان به تجارت و همچنین گسترش امنیت، در این ناحیه، شکوفایی اقتصادی و اجتماعی بیرجند آغاز و این شهر به آرامی به یک مرکز حکومت ناحیه ای تبدیل شد و گسترش یافت و از همین روی،بناهای تاریخی گوناگونی در آن پدید آمد که برخی از آنها تاکنون به یادگار مانده اند (سروش و دیگران، ۷۹:۱۳۸۶). قلعه‌های بیرجند، در دوره های مختلف احداث شده اند لیکن از حدود قرن پنجم هجری (۴۸۴ه.ق) که حسین قاینی حاکم ترشیز قهستان ، دعوت حسن صباح را پذیرفت و جمع کثیری با او بیعت کردند تا کشته شدن رکن الدین خورشاه بن علاء الدین محمد، آخرین شاه فرمانروایان الموت که به دست هلاکو خان اسیر و بعدا" کشته شد و اسماعیلیه سقوط کرد، بر احداث قلاع قهستان افزوده شد (اعتمادالسلطنه، ۲۱۸:۱۳۶۷).

ویژگی طبیعی قهستان یعنی وجود رشته‌کوه‌های مرتفع و نیز دورافتادگی آن از مراکز مهم قدرت و محاصره شدن توسط کویرهای وسیع، شرایط خاصی را برای منطقه فراهم کرده، که در بسیاری از مواقع در طول تاریخ از دسترس حاکمان به دور بوده است (یاقوت حموی، ۱۳۶۵)، از سوی دیگر این منطقه در مسیر راههای کاروان‌رو که سیستان، کرمان، فارس و بنادر سواحل خلیج فارس و دریای عمان به سمت ماوراء النهر، آسیای مرکزی و خراسان می‌رفته‌اند، قرار داشته و این عوامل باعث شده که توسط اسماعیلیان مورد توجه فراوان قرار گیرد (ادوارد بیت، ۹۰:۱۳۶۵). از سویی دیگر ریشه‌دار بودن حضور اسماعیلیان در منطقه این توجه را چندبرابر می‌کرد، طبق گفته‌های رشید الدین فضل اللّه، اسماعیلیان تعداد ۱۰۰ قلعه را در اختیار داشته‌اند (فضل‌الله‌همدانی، ج۹۸۹:۲) و براساس منابع تاریخی، در منطقه قهستان بیش از ۵۰ قلعه داشته‌اند (گروه نویسندگان، ۶۹:۱۳۶۸). در جریان بررسی‌های صورت‌گرفته در محدوده استان خراسان جنوبی، تاکنون ۳۷ دژ کوهستانی شناسایی شده که به لحاظ موقعیت قرارگیری، مصالح بکاررفته در ساختمان دژها، نوع و سبک معماری و نیز بعضی شواهد و مدارک موجود، می‌توانسته توسط اسماعیلیان مورد استفاده قرار گیرد. علاوه براین، تعدادی دژ و قلعه‌های بیابانی و قلعه‌های داخل شهرها نیز وجود دارد که در زمان تسلط اسماعیلیان بر شهرها مطمئنا از آنها استفاده می‌شده است. ازجمله این قلعه‌ها می‌توان به قلعه طبس مسینا و قلعه نهبندان اشاره کرد(سروش و دیگران، ۳۹:۱۳۸۶)

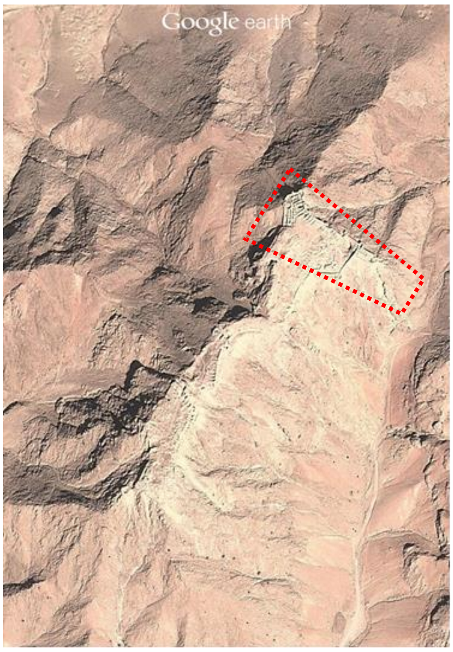
قلاع اسماعیلیه بیشتر قلعه‌هایی است که قبل از تسلط آنها وجود داشته و توسط آنها یا تصرف شده یا خریداری شده‌اند. این قلعه‌ها به لحاظ موقعیت مکانی بر فراز کوههایی قرار دارند که از نظر دفاعی از شرایط مناسبی برخوردارند،در نزدیکی آنها منابع آب مانند چشمه یا رودخانه وجود دارد.از هر قلعه با یک یا چند قلعه دیگر امکان برقراری ارتباط و پیغام‌رسانی وجود داشته است (سروش و دیگر نویسندگان، ۹۳:۱۳۸۶). قلعه‌های مهم‌تر و بزرگتر معمولا بر راههای ارتباطی یا مراکز عمده جمعیت یا شهرهای مهم اشراف دارند. از مهمترین قلعه‌های قهستان می توان به عنوان مثال: قلعه‌های کل حسن صباح، فورگ، شاهندژ، قلعه حوض غلام‌کش، قلعه رستم ،قلعه کوه، قلعه قلاع‌سرایان، قلعه کوه سربیشه و قلعه قلاع مود را نام برد (فرقانی، ۲۴۵:۱۳۸۱).

موقعیت جغرافیایی دژ مورد مطالعه

قلعه کوه قاین در ۳ کیلومتری غرب شهر قاین و در موقعیت جغرافیایی ۳۳ درجه و ۴۱ دقیقه و ۴۴ ثانیه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۱۲ دقیقه و ۲۲ ثانیه طول شرقی واقع شده است. ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۱۷۱۰ متر می باشد (نقشه شماره ۱ و ۲).



نقشه ۱. عکس هوایی و موقعیت قلعه کوه قاین
ماخذ: Google earth



نقشه ۲. عکس هوایی شهرستان قاین
ماخذ: Google earth

قلعه کوه قاین با ۱۳۸۰۰ متر مربع مساحت، برفراز یکی از قله‌های غربی رشته‌کوه ابوذر با جهت شمال‌شرقی- جنوب‌غربی احداث شده و موقعیت آن در تسلط به شهر قاین و شاهراه ارتباطی جنوب به شمال قهستان جایگاه خاصی به آن داده است (سلطانی، ۱۳۸۷: ۷۰؛ نصرآبادی، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۲؛ فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۵۵).

این دژ یکی از بزرگترین دژهای خراسان جنوبی است که سال‌ها مرکز حکومت حکام ایالت قهستان بوده است.همچنین این قلعه مشرف بر منطقه قهستان است؛ بطوریکه حکام آن در هنگام خطر یا حمله دشمن از مناطق شرقی، با نور آتشی که برفراز قلعه کوه زردان، درفاصله ۶۰ کیلومتری آن توسط قوای نظامی خودی برافروخته میشد،آگاه می شدند. قلعه با تابعیت از ناهمواری‌های کوه از دو بخش متمایز که یکی متعلق به سربازان و دیگری بخش امیرنشین بوده ساخته شده است. فضاهای داخلی آن شامل اتاق‌ها، برج‌ها، آب انبارهای متعدد و راهروهای ارتباطی می‌باشد (تصویر شماره ۱)



تصویر ۱. نمایی از دژ قلعه کوه قاین- دید از جنوب
ماخذ: نگارندگان

تاریخچه قلعه‌کوه قاین

در خصوص تاریخچه این قلعه نظریات گوناگونی ارائه شده است، از جمله این که این قلعه را شهر آرتاگونا می‌دانند، دکتر بلو که در سال ۱۸۷۲ میلادی از این قلعه بازدید کرده اعتقاد دارد این همان آرتاگونا است که در دورهٔ هخامنشی کاخ تابستانی شاهان بوده و به هنگام حمله اسکندر (سال ۳۲۸ ق.م) بیش از سیزده هزار نیروی مدافع از این دژ به مقابله با لشکر انبوه وی پرداختند. ژنرال سایکس که در سال ۱۱۳۱ هجری قمری از این قلعه دیدن کرده نیز این نظریه را تأیید می‌کند (سعیدزاده، ۱۳۷۱: ۷۴؛ سلطانی، ۱۳۸۷: ۶۴؛ سایکس، ۱۳۶۳: ۴۰۴).

در منابع تاریخی به طور مشخص به قلعه‌کوه قاین، آنگونه که به بعضی از قلعه‌ها همانند قلعه درح یا مؤمن‌آباد یا شاه‌دژ نهبندان یاد شده، اشاره نشده است. اما با بررسی کلی بعضی از منابع تاریخی می‌توان به این نتیجه رسید که این قلعه از دژهای شاخص اسماعیلیان قهستان بوده و احتمالاً زمانی مرکزیت قهستان نیز بوده است. دفتری اعتقاد دارد یکی از مقرهای رئیس نزاریان قهستان قلعه کوه قاین بوده است و خواجه نصیرالدین طوسی اقامت طولانی مدتی را در این قلعه داشته است (دفتری، ۱۳۸۶: ۴۶۶-۴۳۵؛ نصرآبادی، ۱۳۹۱: ۹۶). منهاج سراج در کتاب طبقات ناصری، از سفر خود به این قلعه نیز اشاره دارد (منهاج سراج، ۱۳۶۳: ۴۶۶). همچنین یاقوت حموی در معجم البلدان از قلعه‌ای بلند در قاین یاد می‌کند که نعمان کبیر نامیده می‌شود (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۶۴؛ نصرآبادی، ۱۳۹۱: ۹۷).

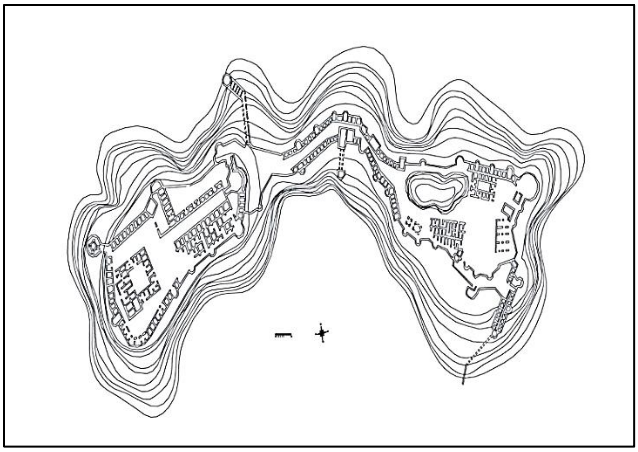
توصیف اجمالی دژ قلعه کوه قاین

قلعه فعلی بر ویرانه‌های قلعه قدیمی ساخته شده است و مصالح عمده‌ای که در ساختمان این قلعه به کار رفته سنگ و ساروج است ضمن آنکه تمام سطوح دیوارها و بدنه بیرونی حصار برج‌ها بندکشی شده است. در مورد قدمت *قلعه کوه* نظرات گوناگونی ابراز شده و برخی چون سرپرسی سایکس معتقدند که این قلعه بخشی از شهرآرتاگوانا است که در دوره هخامنشیان مقابل هجوم لشکریان اسکندر ایستادگی کرد وبرخی دیگر عقیده دارند که این قلعه یکی از قلاع به یادگار مانده از دوره ساسانی است. این مجموعه عظیم سنگی که به طول حدود ۴۰۰ متر در راستای غرب به شرق و بر فراز ارتفاعات رشته کوه قهستان کشیده شده است. این دژ یکی از بزرگترین دژهای خراسان جنوبی است، سال‌ها مرکز حکومت حکام ایالت قهستان بوده است، این قلعه مشرف بر منطقه قهستان بوده و حاکمان آن در هنگام خطر یا حمله دشمن از مناطق شرقی، با نور آتشی که بالای قلعه کوه زردان، درفاصله ۶۵کیلومتری آن توسط قوای نظامی خودی برافروخته می‌شد آگاه می‌شدند (نصرآبادی، ۱۴۵:۱۳۹۱). قلعه کوه قاین از سمت جنوب و شرق به کوهستان و از سمت غرب و شمال مشرف به دشت قاین است و شکل معماری و فرم طاق‌ها، طاقچه‌ها و درگاه‌های به جا مانده و تشابه آن با آشیانه عقاب در غرب استان فارس قدمت این قلعه عظیم سنگی را تا دوره ساسانیان تایید می‌کند (ویلی، ۲۴۶:۱۳۸۶).

مصالح عمده بنا که در ساختمان این قلعه به کار رفته سنگ و ساروج است و تمامی سطوح دیوارها و بدنه بیرونی حصار برج‌ها، بندکشی شده است، همچنین گفته شده این قلعه در عصر سلجوقی به دستور قاضی حسین قاینی که از جانب حسن صباح مامور ترویج فرقه اسماعیلیه در قهستان و خراسان شده بود ساخته شد. این قلعه دژ دفاعی محکمی در برابر حملات مهاجمین بوده و گنجایش هزاران سرباز را داشته است و خواجه نصیرالدین توسی در زمان طوفان ایلغارهای وحشی به ایران به این قلعه پناهنده شده و کتاب اخلاق ناصری را به نام ناصرالدین محتشم قهستانی فرمانروای قاینات در همین محل انشا کرده‌است.

قلعه به صورت کشیده ساخته شده و طول آن نسبت به عرضش بسیار بیشتر است، که به دلیل وضعیت طبیعی کوه است؛ به گونه‌ای که طول قلعه حدود ۲۸۸ متر و عرض آن در سه نقطه شمال‌شرق، مرکز و جنوب به ترتیب ۶۲، ۱۶/۵ و ۵۰ متر است. با توجه به این وضعیت دو قسمت شمال شرق و جنوب غرب دارای فضای وسیع‌تری نسبت به بخش مرکزی بوده و بیشتر فضاهای قلعه در این دو بخش احداث شده و در بخش مرکزی تنها راهرو ارتباطی بین دو بخش دیگر واقع شده است. ورودی کنونی قلعه درگاه کوچکی در باروی شرقی قلععه قرار دارد، اما ورودی اصلی آن در باروی دوم قرار داشته که پس از احداث باروی سوم در حال حاضر داخل مجموعه قرار گرفته است. دسترسی به قلعه از قسمت شمال شرق آن و از مسیر دره‌ای که

در جنوب قلعه قرار دارد، امکانپذیر است. در مسیر این دره آثار مختصری از دیواره سنگی به چشم می‌خورد که ارتباط بین دوسوی دره را قطع می‌کرده است. در منتهی الیه شمال شرق قلعه یک پیش‌آمدگی از باروی قلعه ساخته تا اشراف کامل به دره و مسیر ورودی داشته باشد؛ این فضا شامل یک راهرو ارتباطی با پوشش جناغی سنگی و اتاق‌هایی در دو طرف راهرو است (نقشه شماره ۳).



نقشه ۳. نقشه توپوگرافی قلعه‌کوه قاین،

ماخذ: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی

مؤلفه‌های پدافند غیرعامل در قلعه‌کوه قاین

به دلیل استراتژی دفاعی حاکم بر سیستم نظامی اسماعیلیان، دفاع غیرعامل از اهمیت فراوانی برخوردار بود. اکثر مؤلفه‌های پدافند غیرعامل در قلعه‌کوه قاین به کار گرفته شده، بارزترین مؤلفه دفاعی در قلعه‌کوه قاین ساخت آن بر روی بلندای کوه می‌باشد. لازم به ذکر است که بر قله‌ای از کوه واقع گردیده است که از سه جهت غیرقابل دسترسی می‌باشد (تصویر شماره ۲)



تصویر ۲. جبهه شمال قلع کوه، منبع سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی

ماخذ: نگارندگان

موقعیت قرارگیری قلعه به صورتی است که کاملاً به راه‌های اصلی و مناطق استراتژیکی اشراف دارد. قلعه به طوری ساخته شده است که از دامنهٔ کوه فقط از یک جهت قابل رؤیت می‌باشد (تصویر شماره ۳،۴،۵).



تصویر ۳. دید مشرف شرق و آرامگاه بوذرجمهر

ماخذ: نگارندگان



تصویر ٤. دید مشرف به شمال غرب

ماخذ: نگارندگان

عامل دفاعی دیگر قلعه که بسیار پررنگ می‌باشد، استتار است؛ قلعه با مصالح بوم‌آورد ساخته شده و با عناصر کوهستان تلفیق گردیده و تشخیص آن در نگاه اول یا از دور بسیار سخت می‌باشد (تصویر شماره ۵).



تصویر ۵. دید قلعه از دامنه کوه

ماخذ: نگارندگان

ساخت ا ستحکامات دفاعی عامل دیگر پدافند غیرعامل در قلعه می‌با شد؛ ساخت دیوارهای مرتفع، برج‌های دیده‌بانی، تیرکش‌ها در جداره‌ها، ساخت حصار دوم برای نقاط مهم و استراتژیک و... همه از عوامل مهم مقاوم‌سازی و استحکام‌سازی می‌باشد (تصویر شماره ۶)



تصویر ٦. حصار و برج‌ها و قرارگیری تیرکش‌ها در حصار و برج‌ها
ماخذ: نگارندگان

نقطه قوت دیگر این قلعه برج‌های دیده‌بانی هستند که در جاهای حساس ساخته شده‌اند، به گونه‌ای که ساکنان قلعه را قادر می‌ساخت بر تمامی دشت و مناطق اطراف احاطه کامل داشته باشند و در مواقع حمله می‌توانستند اعلان خبر کنند و آمادگی دفاع دا شته با شند. البته می‌بای ست به نقش ح ساس و مهم قلاع کوچک د شتی و کوه ستانی در فوا صل معین مابین قلعه اصلی و راه‌های اصلی که وظیفه خبررسانی را داشتند، اشاره کرد. جدا کردن نقاط حساس قلعه با ساخت حصار قوی بر احاطه آن باعث کاهش سرعت د ستیابی مهاجمان به این نقاط می‌گشت و فرصتی به ساکنین قلعه برای دفاع و آمادگی بیشتر می‌داد. صفه سنگی بلندی در جبهه شمالی قلعه وجود دارد، احتمالاً از این صفه برای استتار نقاط استراتژیک استفاده می‌کردند و ارتفاع این صفه قابلیت دیدبانی خوبی از نقاط کور دشت اطراف به ساکنین قلعه داده است.

ارتفاع زیاد دیوار خود از مؤلفه‌های مهم در قلعه است، آن چنان که مانع از نفوذ تیرها و اثرات دشمن به داخل قلعه می‌شد. همچنین این ارتفاع دید بهتری به سربازان برای حمله و اشراف به مهاجمان می‌داده ا ست. قلعه به طوری بنا نهاده شده ا ست که هیچ فرصتی به مهاجمان برای ضربه به ساکنین قلعه را نمی‌داد. موقع یت تیرکش ها در برج و بارو بهترین د ید را به سربازان می‌داد و کمترین دید را به مهاجمان در زیر دیوارها می‌داد. همانطور که در تعاریف از برج در قلعه کوه یاد گرد ید برج‌ها بر چند نوع می‌باشند، برج‌های دیده‌بانی و نگهبانی در نقاطی بنا می‌گردید که از نظر استراتژیکی و دیدبانی بسیار حائز اهمیت بودند به همین دلیل برج‌های نگهبانی هم قطر بزرگتری دا شتند و هم دارای تیرکش بودند، گاهی این برج‌ها با فا صله از حصار و به صورت منفرد ساخته می‌شدند تا دید کافی را در ق سمت‌های کور مهیا کنند، این خود نوعی از دفاع از نقاط قابل استفاده دشمن می‌باشد.

قلعه فقط دارای یک ورودی می‌با شد، که تا ر سیدن به این

ورودی راهی بس طولانی و د شوار را باید پیمود. در ست ا ست که ورودی قلعه در ناحیه‌ای تعبیه گردیده ا ست که د ستر سی به آن امکان‌پذیر می‌با شد، اما د ستر سی بسیار د شوار می‌با شد، زیرا که هم مسافت از دامنه کوه تا قله زیاد می‌باشد و هم شیب کوه مانع از سرعت عمل مهاجمان می‌گردد. در بعضی از متون اشاره شده است که اسماعیلیان از بلندای قلاع سنگ بر سر مهاجمان رها می‌کردند. این امر نشان از آن دارد که اسماعیلیان به شتاب سـنگ و قدرتی که شـیب‌کوه به سـنگ‌ها می‌داد، آگاه بودند و ا ستفاده بسیار از شیب کوه برای قدرت دادن به سنگ کرده‌اند. اینطور می‌توان گفت که شیب کوه در عوامل دفاعی قلعه بسیار تاثیر گذار بوده است.

ضـــخامت و قطر دیوار قلعه بســـیار تأثیرگذار در مقابل مهاجمان بوده اســـت، اگر دشـــمن به هر طریقی خود را به پای دیوار قلعه می‌توانست بر ساند به صورت خوش‌بینانه می‌توانست از ابزار قلعه‌کوب خود اســـتفاده کند ارتفاع، قطر و مصـــالح مورد اســـتفاده در حصـــار، بســـیار در روند دســـتیابی به داخل قلعه نیز تأثیرگذار بوده است.

بحث و تحلیل

حال با توجه به مطالبی که در بالا به آن ها پرداخته شد و همچنین توصیف موقعیت استراتژیک دژ قلعه کوه قاین ، به این پرسش پاسخ خواهیم داد که مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در قلعه کوه قاین بر چه الگویی استوار بوده است؟ در پاسخ‌گویی به این سوال، به دلیل سقوط اسماعیلیان توسط مغولان و تخریب قلاع ایشان از سوی مغولان نکته‌های زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد:

نقاط ضعف و قوت اسماعیلیان

اسماعیلیان همواره به دلیل این که اقلیت مذهبی در یک جامعه بودند و همیشه مورد تهاجم حکام وقت قرار می‌گرفتند، استراتژی ایشان برای حفظ منافع خویش بیشتر حالت تدافعی داشت. به همین دلیل به قلاع کوهستانی پناه می‌بردند. همچنان که تا قبل از اعلان قیامت اسماعیلیان با تقیه کردن و انکار اعتقادات خویش به حیات خویش ادامه می‌دادند، بعد از قیامت توسط حسن صباح به دلیل قلت افراد و توان نظامی کم، رو به دفاع از خود در استحکامات نظامی آوردند.که این رویه در دوره‌های بعد هم حفظ می‌گردد (ویلی، ۹۷:۱۳۸۶).

آن چنان که گفته شد جمعیت اسماعیلیان همواره نسبت دشمنانشان خیلی کم بود، و نکته قابل توجه در موردشان این بود که اکثریت این جمعیت را هم مردم عادی و غیر نظامی تشکیل می‌دادند. به همین دلیل در همه دوران حیاتشان از ضعف نظامی برخوردار بودند و سعی می‌کردند از جنگ‌های رو در رو حذر کنند. تنها قوای نظامی ایشان که آموزش نظامی می‌دید، فدائیان اسماعیلی بودند که به عنوان قاتل در مواقع خاص مورد استفاده قرار می‌گرفتند، ولی در جنگ‌های بزرگ کارایی نداشتند. به همین دلیل در زمان حمله مغول در هر دو دوره تهاجماتشان یا راه صلح را در پیش گرفتند و یا در قلاع خود پناه گرفتند و درگیر جنگ رو در رو نگشتند (همان: ۹۹).

طبق گفته تاریخ‌نویسان قبل از سقوط الموت توسط مغولان اختلافات زیادی بین سران اسماعیلی و امامان اسماعیلی وجود داشته است، آن‌چنان که حتی قتل مشکوک علاءالدین محمد توسط پسرش رکن‌الدین خورشاه و سران اسماعیلی که مخالف مقابله با مغول بودند، برنامه‌ریزی گشت. با این حال اگر به نوشته‌های تاریخ‌نویسان در این رابطه هم اعتماد نکنیم، می‌توان از رفتارهای اسماعیلیان بعد از سقوط میمون دز، که گردکوه تا ۱۳ سال مقاومت کرد، شکاف به وجود آمده در میان اسماعیلیان را شاهد بود. در تهاجمی که توسط چنگیز خان به ایران انجام گرفت به دلایلی که یاد گردید، به اسماعیلیان هیچ آسیبی وارد نیامد. از همین روی بسیاری از مردم معمولی و علما به قلاع اسماعیلی پناهنده شدند. به طور حتم همه پناهندگان موافق و حامی اسماعیلیان نبودند و حتی امکان وجود خصومت‌هایی ریشه‌دار در میان افراد تازه وارد به قلاع دور از ذهن نمی‌باشد (تقوی و رایگانی، ۴۶:۱۳۹۳). مشاوران رکن‌الدین خورشاه بی شک یکی از دلایل تسلیم ایشان در برابر مغولان بودند. محققین به دلیل مقاومت طولانی مدت گردکوه در مقابل مغولان به صورت تک واحدی، احتمال پیروزی اسماعیلیان را به صورت واحد در تمامی قلاع را زیاد می‌دانند.

اسماعیلیان بزرگترین نقطه قوتشان قلاع مستحکمشان بود، آن چنان که تنها راه حفظ امنیتشان در تمام دوران حیاتشان پناه بردن به قلاع می‌باشد. از این روی تمامی سعی خود را به کار

می‌گرفتند تا قلاع را از هر لحاظ ایمن و مستحکم بسازند. در فصول پیش تمامی مؤلفه‌های دفاع غیر عامل در قلعه کوه مورد بررسی قرار گرفت، با بررسی ویژگی‌های معماری و ساختار و استحکام بخشی قلعه بسیار مهندسی ساز به نظر می‌آید، قرارگیری فضاهای حساس هر یک در حصاری مجزا، تامین ذخایر آب و غذا، محل بنا نهادن قلعه و برج‌های دیده‌بانی با نقشه قبلی بوده آن‌چنان که تمامی نقاطی که از آن سو تهدید می‌گردیده‌اند را پوشش می‌داده‌اند، ساخت حصارهای مستحکم از نظر سازه‌ای، استفاده از توپوگرافی کوه برای مرتفع سازی حصار و در بعضی نقاط برای پنهان‌سازی نقاط حساس قلعه، همه این عناصر در کنار یکدیگر توانسته‌اند قلعه را غیر قابل دسترس کند. با تحلیل این داده‌ها از پای در آوردن قلعه با تجهیزات آن زمان بسیار کار سخت و بعیدی به نظر می‌رسد، ولی در تاریخ از سلاح‌هایی سخن رانده شده که اگر به راستی وجود و کاربردشان تأیید گردد دور از ذهن نیست که با این تسلیحات بتوانند قلعه را به زانو درآورند.

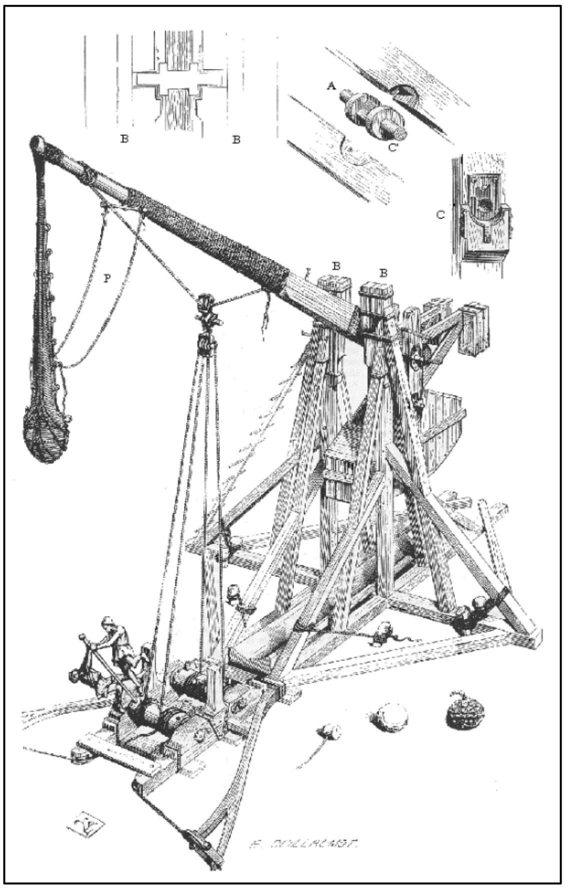
نقاط قوت و ضعف مغولان

مغولان مردان جنگی نیرومندی بودند که بیشتر تجربیات خویش را از غارت‌های خود به چین و کاروانیان ایشان بدست آوردند. ایشان به دلیل حملات سنگینی که به چین انجام می‌دادند از دشمنان تراز اول چینیان محسوب می‌شدند، آن چنان که بارها تا معرض نابودی ایشان چینیان پیشروی کردند ولی غفلت و وقفه‌ای که بین ضربات ایشان به وجود آمد باعث دوباره قدرت گرفتن مغولان گشت. در فصول گذشته گفته شد که مغولان بیشترین قدرت نظامی خویش را از سواره نظام و کمانداران خویش می‌گرفت. بنابراین می‌توان گفت که مغولان رزم‌آوران خوبی در جنگ‌های رو در رو بودند (دفتری، ۱۳۸:۱۳۷۵).

بررسی حد مقاومت قلعه در برابر مهاجمان

این حدود مقاومتی را در قلعه باید به نسبت امکانات و جنگ افزارهای زمان خودشان سنجید. قلعه بر حسب و اساس مقاومت در مقابل جنگ افزار و نیروهای دشمن مقاوم‌سازی می‌گشت. با بررسی جنگ افزارهای مغول این طور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از توانایی جنگی بالایی برخوردار بودند؛ بیشترین ابزار مورد استفاده ایشان کمان معروف‌شان بوده است، توانایی مغول در تیراندازی بر اسب همچین کمانی را هم می‌طلبید. از جنگ افزارهایی که در جنگ با اسماعیلیان مورد استفاده قرار داده‌اند و در منابع تاریخی از آن نام برده شده است، باید به منجنیق، آتش انداز یا لوله‌های آتش‌زا، فلاخن، گلوله‌های نفتا و... اشاره کرد. منجنیقی که در این جنگ از آن یاد شده است، برد پرتاب جسم را به ۲۵۰۰ گام توصیف کرده‌اند. اگر متوسط هر گام را ۷۵ سانتیمتر فرض کنیم، حدود هزار و هشتصد متر برد جسم می‌شود (سلطانی، ۳۳:۱۳۹۱).

به هر حال اگر منجنیقی با این قدرت وجود داشته است، باید با شرایطی خاص این قدرت بدست آورده باشد. عناصر تأثیرگذار برای فراهم آوردن بهترین شرایط و بیشترین بهره‌وری از منجنیق را می‌توان اینطور بیان کرد: اندازه اهرم و پایه‌های نگهدارنده، کشش طناب‌ها در بعضی منجنیق‌ها، وزنه کششی در منجنیق‌های وزنه‌ای، وزن جسم پرتاب شده است که یا سنگ ویا گلوله‌های آتشین می‌تواند باشد (تصویر شماره ۷). منجنیق‌هایی که مغولان از آن بهره برده‌اند نوعی منجنیق بود که یک طرف اهرم وزنه سنگینی متصل می‌گردید که باعث کشش اهرم به سمت پایین می‌گشت، علاوه بر اندازه اهرم و وزن وزنه منجنیق، محل قرارگیری تکیه‌گاه اهرم هم نقش مهمی در شتاب و قدرت حجم پرتاب شده دارد، همچنین می‌توانستند با جا به جایی تکیه‌گاه اهرم برد و شتاب جسم را تغییر دهند. اگر تکیه‌گاه دقیقاً در وسط اهرم قرار بگیرد، نیروی وارد شده بر اهرم همسان با شتاب جسم می‌باشد، ولی اگر تکیه‌گاه به سوی وزنه پیش آمده باشد شتاب جسم کاهش می‌یابد، ولی اگر تکیه گاه خلاف جهت وزنه جابه‌جا شود، بر قدرت و شتاب جسم می افزاید (تصویر شماره ۸).



تصویر ۷. منجنیق وزنه‌ای‌ها

ماخذ: موحدی نیا، ۲۴۹:۱۳۸۶



تصویر۸. منجنیق مورد استفاده مغول

ماخذ: موحدی نیا، ۲۴۸:۱۳۸۶

در منجنیق‌ها که وظیفهٔ کشش اهرم را طناب‌های کششی بر عهده دارد، به این صورت که اهرم پرتاب، نیروی کشش طناب را ذخیره کرده و ناگهان نیروی ذخیره شده را رها می‌سازد. در این منجنیق هر چه نیروی کششی ایجاد شده توسط طناب بیشتر باشد قدرت و شتاب جسم را افزایش می‌دهد. پس نتیجه می‌گیریم هرچه طناب تحت کشش بیشتر قرار گیرد و هر چه اهرم پرتاب تاب تحمل طناب را بیشتر داشته باشد، قدرت و شتات جسم بیشتر می‌شود. در تمامی این منجنیق‌ها مؤلفه‌های یاد شده اگر که در کنار هم به صورت منسجم قرار نگیرند مسلماً کارایی لازم را نخواهند داشت.

سلاح دیگری که در تاریخ مکتوب و شواهد باستان شناسی از آن یاد گردیده است، آتش انداز می‌باشد. این سلاح با انفجار باروت در یک لوله فلزی توپی را به سوی هدف مورد نظر پرتاب می‌کرده است. تاریخ کشف باروت توسط چینیان به صورت دقیق مشخص نمی‌باشد، ولی طبق یک تصویر که از ژاپن بدست آمده است، چینیان در جنگ ۱۲۷۴ و ۱۲۸۱ که در مقابل ژاپن داشتند از سلاحی این چنینی استفاده کرده‌اند. که تاریخ استفاده از این سلاح حدود ۲۰ سال بعد از حمله مغول به اسماعیلیان می‌باشد. به احتمال زیاد منظور از آتش‌انداز یاد شده در تاریخ گلوله‌های آتشین است که با همان منجنیق‌ها به سوی هدف پرتاب می‌گشته است(فرازمشاد، ۲۱۲:۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

با توجه به خصوصیات دفاعی که در قلعه لحاظ گردیده است و دارا بودن تقریبا تمامی مؤلفه‌های دفاع غیرعامل، و با در نظر گرفتن جنگ‌افزارهای مورد استفاده مغول در جنگ‌هایشان، با آزمایش برخی از این نوع جنگ‌افزارها می‌توان چنین نتیجه گرفت که قلعه به سختی قابل سقوط بوده است، و به احتمال خیلی زیاد از روش‌های دیگر برای سقوط قلعه استفاده کرده‌اند.

که می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد که از فرضیه‌های سقوط قلعه می‌توانند باشند. با بررسی این موارد در کنار یکدیگر تنها راه‌های تسخیر قلعه را می‌توان این گونه بیان کرد؛ اولین و قوی‌ترین راه برای رسیدن به قلعه به ستوه آوردن ساکنین قلعه و مجبور به تسلیم شدن ایشان است. قلعه از اساس به صورت مستحکم بنا گشته است، ایستایی حصار با افزایش قطر دیوارها، استفاده ملات گچی، ساخت برج‌های سازه‌ای و فضاسازی در پشت دیوارها به عنوان پشتبند، ایجاد گشته است. تمامی این عناصر در کنار یکدیگر توانسته یک سازه مستحکم در برابر هجوم دشمنان به وجود آورد که حتی تا این زمان و با تخریب وسیع مغول هنوز جز قلاع شاخص و ماندگار منطقه باشد. فرضیه ارائه شده مبنی بر استحکام بخشی بیشتر در نقاطی از قلعه رد می‌گردد به دلیل این‌که قلعه در همه نقاط دارای یک نوع مواد مصالح و یک نوع شیوه ساخت هستیم استقامت قلعه در همه نقاط یکسان می‌باشد و بنا از پایه مستحکم ساخته شده است و تخریب آن توسط دشمن بسیار دشوار می‌باشد.

با توجه به پلان فضایی و قرارگیری برج‌ها و حصارشمال شرقی در ارتفاع بالاتر از حصار اول در جبهه جنوب شرقی، به نظر می‌آید که از نظر استراتژیکی در جنگ‌ها از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. احتمالاً خط مقدم در جنگ با مهاجمان در این قسمت از قلعه واقع گردیده بود و مقر فرماندهی جنگ بوده است. گویی مکانی بوده است برای سنجش اولیه موقعیت دشمن و برنامه‌ریزی‌های اولیه جنگ. البته وجود انبار آذوغه، آب‌انبار و سکونتگاه در این حصار اهمیت فضا را افزایش می‌دهد. ساخت حصار در جبهه غربی آخرین سپر دفاعی ساکنین قلعه را فراهم ساخته است و همین خاصیت این فضا است که این قسمت از قلعه را از دیگر نقاط قلعه از لحاظ امنیتی شاخص کرده است. احتمال این که فضا به عنوان ارگ قلعه و مکانی برای زندگی فرمانده و خانواده‌اش مورد استفاده قرار گرفته، زیاد می‌باشد. بدون شک این حصار به عنوان فضای عقب‌نشینی برای ساکنین و سربازان قلعه تعریف شده است. احتمال می‌رود فضاهای مسکونی این قسمت برای اقامت زنان و کودکان در هنگام جنگ ساخته شده باشد. اتاق‌هایی که در جوار حصار ساخته شده‌اند همه به یکدیگر مرتبط هستند و شاید به عنوان انبار یا سربازخانه مورد استفاده قرار می‌گرفتند. با در نظرگرفتن کاربری‌های یاد شده و قرارگیری فضاها در پلان قلعه فرضیه استحکام بخشی فضاهای حساس را تایید می‌کند.

با در نظر گرفتن شاخصه‌های دفاعی در قلعه، این پژوهش می‌تواند راهگشایی برای سایر رشته‌های نظامی برای تقلیل آسیب‌های وارد شده از سوی دشمن به تاسیسات نظامی‌شان باشد. همچنین با بررسی استراتژی جنگی این اقوام در گذشته می‌توان پیشرفت بزرگی در استفاده از این فنون جنگی نیز کرد. سیستم حفاظتی که در قلعه به کار رفته است، کلیدی می‌تواند باشد برای طرح‌های حفاظتی در بناها و استحکاماتی که امروزه از گذشتگان برای ما به یادگار مانده است. تکنیک‌های ساخت و ویژگی‌های معماری حاکم بر قلعه الگویی مناسب است برای ساخت استحکامات نظامی در دنیای امروزی. انسان امروزی لازم است از تجربیات گذشتگان استفاده کند و آن تجربیات را گسترش و پرورش دهد. امید دارم این پژوهش بتواند راهگشایی در پیشرفت‌های امروزی باشد.

فهرست منابع

• ابن‌حقول، (۱۳۵۴). صوره الارض، ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران

• اصغریان جدی،احمد، (۱۳۷۴). دفاع غیر عامل در ارگ بم، اولین کنگره معماری و شهرسازی بم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ج۲.

• ایوبی،ابوالفداء عمادالدین اسماعیل بن نورالدین علی بن محمود، (۱۳۳۴). تقویم البلدان، ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

• تقوی، عابد؛ رایگانی، ابراهیم؛ (۱۳۹۳). تحلیل عدم به کارگیری منطقی مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در فروپاشی شهر دهدشت در دوران صفویه و قاجار، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، بهار، شماره پانزدهم، ص ۷۵-۸۲.

• جلالی، غلامرضا؛ هاشمکی فشارکی، سید جواد، (۱۳۸۹). پدافند غیرعامل در آیینه قوانین و مقررات. تهران: سازمان پدافند غیرعامل.

• جوینی، عطاالملک، (۱۳۷۰). تاریخ جهانگشای جوینی، بسعی و اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، چاپ رخ، چاپ چهارم.

• حموی، شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله، (۱۳۸۰). معجم‌البلدان. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران: معاونت پژوهشی.

• دفتری، فرهاد، (۱۳۷۵). تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بذره‌ای. تهران: نشر و پژوهش فرزان روز، چاپ اول.
• سایکس، سرپرسی، (۱۳۶۳). سفرنامه، ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: کتابخانه ابن سینا.
• سروش، محمدرضا، (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی.
• سروش،محمد رضا؛ نصرآبادی،علی رضا؛ زعفرانلو،رقیه؛ (۱۳۸۶). درآمدی بر مطالعات باستان شناس قلاع اسماعیلیه قهستان، مجله اثر، دوره ۲۸، شماره ۴۲ و ۴۳.
• سعیدزاده، سید محسن، (۱۳۷۱). تاریخ قاین. انتشارات فروردین قم، چاپ اول.
• سلطانی، سعید، (۱۳۹۱). جستاری در بازشناسی قلاع قهستان با تاکید بر طراحی حفاظت و ساماندهی قلعه کوه قاین.انتشارات قهستان.
• فرازمشاد، مصطفی، (۱۳۸۶). مبانی نظری معماری در دفاع غیرعامل. تهران: انتشارات جهان جام جم.
• فرقانی، محمدفاروق، (۱۳۸۱). تاریخ اسماعیلیان قهستان. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
• فضل الله همدانی، رشیدالدین، (۱۳۷۳). جامع التواریخ، به تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی. تهرا: نشر البرز، چاپ اول.
• قبادیانی، ناصرخسرو، (۱۳۶۶). سفرامه ناصرخسرو، به کوشش نادر وزین پور. چاپ سپهر، چاپ ششم
• کیانی، محمدیوسف، (۱۳۷۴). پایتخت‌های اشکانیان پایتخت-های ایران. تهران:سازمان میراث فرهنگی.
• گروه نویسندگان، (۱۳۸۶). اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی
• مستوفی، حمدالله، (۱۳۸۱). نزهت‌القلوب، تصحیح دکتر محمد دبیرستانی. قزوین: انتشارات حدیث امروز.
• مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر، (۱۳۷۴). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
• منهاج سراج، عثمان ابن محمد، (۱۳۶۳). طبقات ناصری،مصحح عبدالحی حبیبی قندهاری. تهران: دنیای کتاب.
• موحدی نیا، جعفر، (۱۳۸۶). اصول و مبانی پدافند غیر عامل. انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
• میراحمدی، مریم و یادگارزاده؛ (۱۳۸۹). بررسی آسیب پذیری فرم شهرها از دیدگاه پدافند غیر عامل و راه‌کارهای کاهش آن؛ فصل نامه ساخت شهر، شماره ۱۴.
• نصرآبادی، علیرضا، (۱۳۹۱). قلعه‌های تاریخی خراسان جنوبی. فکر بکر،چاپ اول.
• ویلی، پیتر، (۱۳۸۶). آشیانه عقاب (قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه)، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای. تهران: نشر و پژوهش فرزان روز، چاپ اول.